

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب رشته شاخه هنرستان در بین دانش آموزان مدارس متوسطه

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۶، تاریخ دریافت نسخه نهایی: ۱۴۰۵/۳/۱۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۳/۱۹

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

سحر خسروی نیا^{۱*} و فخرالسادات نصیری ولیک بنی^۲

چکیده

زمینه و هدف: مرحله انتخاب رشته در پایه نهم، نقطه عطفی در مسیر تحصیلی و حرفه‌ای دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش ایران است که می‌تواند آینده شغلی آنان را ترسیم نماید. پژوهش حاضر با هدف تبیین پیوند میان «رفتارهای تولیدمحور معلمان» و دو متغیر «انگیزه کارآفرینی» و «گرایش به انتخاب شاخه هنرستان» در دانش‌آموزان پایه نهم شهر کرج به انجام رسید. **روش‌شناسی:** این مطالعه از حیث هدف، کاربردی و از منظر روش‌شناسی، در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار دارد. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۲،۳۷۴ دانش‌آموز پایه نهم شهر کرج بود که از میان آنان، ۸۰۴ نفر (۵۱٪ پسر) با بهره‌گیری از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی برگزیده شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل «پرسشنامه رفتارهای تولیدمحوری معلمان» (قادری، ۱۴۰۰) با ۲۴ گویه و چهار مؤلفه (پایایی: ۰/۹۷) و «پرسشنامه انگیزه کارآفرینی» (تارمن و همکاران، ۲۰۰۷) با ۸ گویه (پایایی: ۰/۷۹) بود. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA)، آزمون تعقیبی توکی، رگرسیون گام‌به‌گام و رگرسیون لجستیک صورت پذیرفت. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین رفتارهای تولیدمحور معلمان و انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0.208$ ، $p<0.001$)؛ که در این میان، مؤلفه «بهره‌وری» بیشترین نقش را ایفا می‌کرد ($\beta=0.204$ ، $r^2=0.0012$)؛ تحلیل واریانس حاکی از تفاوت معنادار در ادراک دانش‌آموزان از رفتار تولیدمحور معلمان در گروه‌های مختلف انتخاب رشته بود ($F=7.17$ ، $p=0.001$). نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که مؤلفه‌های «بهره‌وری» ($\beta=0.134$ ، $p=0.006$) و «وظایف شغلی» ($\beta=0.098$ ، $p=0.044$) پیش‌بینی‌کننده‌های انگیزه کارآفرینی هستند، هرچند تبیین‌کنندگی آن‌ها محدود به ۴۴٪ از واریانس کل بود. همچنین، رگرسیون لجستیک بیانگر آن بود که به ازای هر واحد افزایش در رفتار تولیدمحور معلمان، شانس انتخاب رشته‌های «فنی و حرفه‌ای» ۲۵٪ ($p=0.007$) و «کار دانش» ۴۰٪ ($p=0.011$) افزایش می‌دهد. **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها مؤید آن است که رفتارهای تولیدمحور معلمان، به‌ویژه با تأکید بر ابعاد بهره‌وری و وظایف شغلی، عاملی اثرگذار در جهت‌دهی به انگیزه کارآفرینی و ترغیب دانش‌آموزان به انتخاب شاخه هنرستان است. در نهایت، با توجه به محدودیت مکانی این پژوهش و تمرکز بر دانش‌آموزان شهر کرج، تعمیم یافته‌ها به سایر مناطق نیازمند احتیاط علمی است. **کلید واژه‌ها:** رفتارهای تولیدمحوری معلمان، شاخه هنرستان، انگیزه کارآفرینی، انتخاب رشته، دوره اول متوسطه.

۱ - نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

Email: SaharKhosravinya@gmail.com

https://orcid.org/0009-0009-2407-792X

۲ - دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.



Copyright: © 2026 by the authors- Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

Investigating the relationship between teachers' production-oriented behaviors with entrepreneurship motivation and the choice of conservatory branch among secondary school students

Sahar Khosravinya (M.A)^{1*}  & Fakhrossadat Nasiri Valik Bani (Associate Professor)²

Abstract

Background and Purpose: The ninth-grade field-of-study selection is a critical juncture in the educational and professional trajectory of students within the Iranian education system, significantly shaping their future careers. This study aimed to examine the relationship between teachers' "production-oriented behaviors" and students' "entrepreneurial motivation" and their subsequent inclination toward choosing vocational (technical and vocational/Kar-Danesh) education in the ninth grade of Karaj. **Methodology:** This study is applied in nature and employs a descriptive-correlational design. The statistical population comprised 22,374 ninth-grade students in Karaj, from whom 804 participants (51% male) were selected using the Krejcie and Morgan table and stratified random sampling. Data were collected using the "Teachers' Production-Oriented Behaviors Questionnaire" (Ghaderi, 2021; 24 items, four components, reliability: 0.97) and the "Entrepreneurial Motivation Questionnaire" (Tarman et al., 2007; 8 items, reliability: 0.79). Data were analyzed using Pearson correlation, one-way ANOVA, Tukey's post-hoc test, stepwise regression, and logistic regression. **Findings:** The results indicated a significant positive correlation between teachers' production-oriented behaviors and students' entrepreneurial motivation ($r=0.208$, $p<0.001$), with the "productivity" component being the most influential factor ($r=0.204$, $p<0.001$). ANOVA revealed significant differences in students' perceptions of teachers' production-oriented behaviors across various study-path selection groups ($F=7.172$, $p=0.001$). Stepwise regression showed that "productivity" ($\beta=0.134$, $p=0.006$) and "job tasks" ($\beta=0.098$, $p=0.044$) were significant predictors of entrepreneurial motivation, although they explained only 4.4% of the total variance. Furthermore, logistic regression indicated that for every unit increase in teachers' production-oriented behaviors, the likelihood of students choosing Technical and Vocational education increased by 25% ($p=0.007$), and the likelihood of choosing Kar-Danesh education increased by 40% ($p=0.011$). **Conclusion and Limitations:** The findings suggest that teachers' production-oriented behaviors, particularly regarding productivity and job tasks, serve as significant predictors of entrepreneurial motivation and students' inclination toward vocational fields, despite the small effect size. The primary limitation of this study is its geographical scope, as the focus on students in Karaj restricts the generalizability of the findings to other regions.

Keywords: Teachers' Production-Oriented Behaviors, Vocational Education (Honarestan), Entrepreneurial Motivation, Lower Secondary Education.

1 - Corresponding Author: M.A in Educational Management, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

Email: SaharKhosravinya@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0009-2407-792X>

2 - Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran



Copyright: © 2026 by the authors- Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

نظام آموزش و پرورش در هر جامعه، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و فرهنگی، مسئولیت آماده‌سازی سرمایه انسانی برای ایفای نقش مؤثر در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی را بر عهده دارد. این نظام علاوه بر انتقال دانش، باورها و ارزش‌های فرهنگی، باید زمینه پرورش مهارت‌ها، توانایی‌ها و شایستگی‌هایی را فراهم سازد که دانش‌آموزان را برای حضور موفق در جامعه و ورود به بازار کار آماده کند (کریمی، ۱۳۹۹). با وجود این، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از نظام‌های آموزشی، به‌ویژه در حوزه آموزش مهارت‌های کاربردی و کارآفرینانه، نتوانسته‌اند پاسخگوی نیازهای متغیر و روبه‌رشد جامعه و بازار کار باشند. پیامد چنین وضعیتی را می‌توان در افزایش نرخ بیکاری، ضعف روحیه خلاقیت و نوآوری، و کاهش گرایش جوانان به فعالیت‌های کارآفرینانه مشاهده کرد (اکبری، تقی‌پور، تقی‌پوریان گیلانی، و غفاری مجلج، ۱۴۰۲).

در دهه‌های اخیر، آموزش کارآفرینی در بسیاری از کشورها به عنوان یکی از محورهای اساسی توسعه آموزشی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. این نوع آموزش نه تنها به تقویت قابلیت‌های حرفه‌ای دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه زمینه ارتقای توانایی‌های فردی، اجتماعی و مهارت‌های حل مسئله را نیز فراهم می‌سازد (موتونن و تونکاری-اسکلینن^۱، ۲۰۲۰). با این حال، ماهیت چندبعدی و پیچیده کارآفرینی و همچنین دشواری‌های اجرایی مرتبط با آن، موجب شده است که طراحی و اجرای برنامه‌های درسی کارآفرینانه با چالش‌های فراوانی همراه باشد (مولر و اندرسون^۲، ۲۰۱۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هرچند شیوه‌های متنوعی برای آموزش کارآفرینی در سطوح مختلف تحصیلی به کار گرفته می‌شود، اما نبود هماهنگی میان این روش‌ها و فاصله آن‌ها با نیازهای واقعی بازار کار، کارایی بسیاری از این برنامه‌ها را کاهش داده است (آلدا و سانزپونس^۳، ۲۰۲۱؛ توماسن، ویلیامز میدلتون، برئوم رامسگارد، نیرگارد، و وارن^۴، ۲۰۲۰).

بخش عمده‌ای از مطالعات پیشین، آموزش کارآفرینی را در آموزش عالی و دوره‌های دانشگاهی مورد بررسی قرار داده‌اند (مارتین، مکنالی، و کی^۵، ۲۰۱۳؛ نبی، لینیان، فایول، کروگر، و والمزلی^۶، ۲۰۱۷)، اما در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران آموزشی به ضرورت

1- Möttönen & Tunkkari-Eskelinen

2- Muller & Anderson

3- Alda & Sanz-Ponce

4- Thomassen, M., Williams Middleton, K., Breum Ramsgaard, M., Neergaard, H., & Warren, L.

5- Martin, B. C., McNally, J. J., & Kay, M. J.

6- Nabi, G., Liñán, F., Fayolle, A., Krueger, N., & Walmsley, A

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

آغاز این آموزش‌ها از دوره‌های مدرسه افزایش یافته است. امروزه بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند آموزش کارآفرینی را از مقاطع ابتدایی و متوسطه آغاز کرده و آن را تا آموزش عالی استمرار بخشند. این رویکرد افزون بر ایجاد پیوند مؤثر میان مدرسه و محیط‌های واقعی کار و تولید، فرصت‌های یادگیری متنوع‌تری را برای دانش‌آموزان فراهم ساخته است (یغمایی نجف‌آبادی، ۱۳۸۹). برای مثال، کشورهایی مانند ژاپن و سوئد از پیشگامان اجرای سیاست‌های آموزشی در حوزه کارآفرینی محسوب می‌شوند؛ به گونه‌ای که ژاپن از نخستین کشورهای آسیایی بود که آموزش کارآفرینی را در مدارس متوسطه اجرا کرد (صابزه، ۱۳۹۴) و سوئد نیز از سال ۲۰۱۱ برنامه رسمی آموزش کارآفرینی را در نظام آموزشی خود به اجرا درآورد (فجز، نیلاند و والین^۱، ۲۰۱۹).

در میان عوامل مؤثر بر موفقیت برنامه‌های درسی کارآفرینی، نقش معلمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. معلمان تنها انتقال‌دهنده محتوای آموزشی نیستند، بلکه به عنوان هدایت‌گران فرایند یادگیری، تسهیل‌گران رشد مهارت‌ها و الگوهای رفتاری دانش‌آموزان، تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری نگرش‌ها و توانایی‌های کارآفرینانه دارند. مهرمحمدی (۱۳۹۶) بر این باور است که معلمان در تمامی مراحل برنامه درسی، از اجرا تا بهبود و بازنگری، نقشی اساسی ایفا می‌کنند و مشارکت حرفه‌ای آنان می‌تواند کیفیت برنامه‌های آموزشی را ارتقا دهد. در واقع، معلمان آخرین و مهم‌ترین حلقه در زنجیره تحقق برنامه درسی به شمار می‌روند (آلسابای^۲، ۲۰۱۶)، از این رو ارتباط میان کیفیت عملکرد معلمان و موفقیت برنامه‌های درسی، ارتباطی بنیادین و انکارناپذیر است.

در اسناد کلان آموزشی ایران نیز بر اهمیت تربیت نیروی انسانی خلاق، توانمند و کارآفرین تأکید فراوانی شده است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، پرورش دانش‌آموزانی خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای مهارت‌های حرفه‌ای را یکی از اهداف اساسی نظام آموزشی معرفی می‌کند (نصیری نریمان، خلیل‌زاده ساربانلر، و نوروزی، ۱۴۰۲). در این میان، دوره متوسطه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این مقطع نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان دارد و بسیاری از تصمیمات آینده آنان در این مرحله شکل می‌گیرد (مهرمحمدی، ۱۳۹۶). همچنین، بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان پس از پایان این دوره وارد بازار کار می‌شوند؛ بنابراین برنامه‌های درسی باید علاوه بر آماده‌سازی آنان برای ادامه تحصیل، مهارت‌های کاربردی و حرفه‌ای موردنیاز بازار کار را نیز در اختیارشان قرار دهند (مصطفی‌پور، ۱۳۹۶). در

1- Fejes, A., Nylund, M., & Wallin, J.

2- Alsubaie

چنین شرایطی، معلمان با استفاده از روش‌های تدریس خلاقانه و دانش تخصصی خود می‌توانند نقش مؤثری در تقویت روحیه کارآفرینی و هدایت دانش‌آموزان ایفا کنند (سایمالدین، اخوان‌الدین، پریهادی، و مالیک^۱، ۲۰۲۴).

گنجاندن آموزش‌های کارآفرینانه در برنامه درسی مدارس می‌تواند آثار مثبت متعددی به همراه داشته باشد. این آموزش‌ها ضمن غنی‌سازی تجارب یادگیری، به توسعه کسب‌وکارهای نوآورانه، تقویت ارتباط میان مدرسه و صنعت، و بهبود شیوه‌های آموزش و یادگیری کمک می‌کنند (باجیگالوپو، کامپیلیس، پونی، و وان دن برانده^۲، ۲۰۱۶). علاوه بر این، نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های فوق‌برنامه و آموزش‌های غیررسمی نیز تأثیر چشمگیری در افزایش علاقه دانش‌آموزان به کارآفرینی و فعالیت‌های اقتصادی خلاقانه دارند (لژر، آرسنیویچ، و بوسما^۳، ۲۰۲۵؛ راهایو، بودئیونو، و کوستیونو^۴، ۲۰۲۳). اجرای موفق چنین برنامه‌هایی مستلزم طراحی محتوای آموزشی مناسب، به‌کارگیری روش‌های تدریس منعطف، توجه به نیازهای یادگیرندگان و ایجاد توانایی مقابله با چالش‌های محیطی است (بخشیان، صمدی، جعفری، و همتی، ۱۴۰۳). در این میان، توانمندسازی حرفه‌ای معلمان و فراهم کردن فرصت‌های رشد و توسعه فردی برای آنان، از مهم‌ترین عوامل موفقیت برنامه‌های درسی کارآفرینی محسوب می‌شود. معلمان با تکیه بر تجربیات آموزشی و شرایط کلاس درس، می‌توانند محتوای آموزشی را متناسب با نیاز دانش‌آموزان بازآفرینی و بازطراحی کنند (باشیا، کار-هریس، فاین-مایر، و زورتسولو^۵، ۲۰۱۴). همچنین، تعامل سازنده میان معلمان، مدیران، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و سیاست‌گذاران آموزشی، زمینه تحقق اثربخش این برنامه‌ها را فراهم می‌سازد (داسن‌بری، برانیگان، فالکو، و هانسن^۶، ۲۰۰۳؛ خان و لاو^۷، ۲۰۱۵).

با وجود اهمیت روزافزون آموزش کارآفرینی، اجرای برنامه‌های درسی مرتبط با آن همچنان با چالش‌های متعددی همراه است. کمبود امکانات و منابع آموزشی، ضعف در تربیت معلمان متخصص، نبود زیرساخت‌های مناسب و فاصله میان محتوای آموزشی و نیازهای واقعی بازار کار، از مهم‌ترین موانع پیش‌روی این برنامه‌ها به شمار می‌رود (یارمحمدزاده، مهدیون، و قلی‌پور، ۱۳۹۸). افزون بر این، نبود یک رویکرد منسجم و هماهنگ در طراحی و اجرای برنامه‌های

-
- 1- Syamsudin, R. N., Ikhwanuddin, I., Prihadi, W. R., & Malik, A.
 - 2- Bacigalupo, M., Kampylis, P., Punie, Y., & Van den Brande
 - 3- Bacigalupo, M., Kampylis, P., Punie, Y., & Van den Brande,
 - 4- Rahayu, E., Budiyo, B., & Kustiono, K.
 - 5- Bascia, N., Carr-Harris, S., Fine-Meyer, R., & Zurzolo, C.
 - 6- Dusenbury, L., Brannigan, R., Falco, M., & Hansen, W. B
 - 7- Khan, M. A., & Law, L. S

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

آموزشی، اثربخشی این آموزش‌ها را با مشکلات بیشتری مواجه کرده است (چون راساگ ساگون، سان راتانا، تونگ کاسامیت، و سری ساوات^۱، ۲۰۱۵).

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در زمینه آموزش کارآفرینی و برنامه‌های درسی مرتبط با آن انجام شده است. برخی پژوهش‌ها از جمله مطالعات شهرکی، لیاقتدار، نصر اصفهانی، و خلاق^۲ (۱۴۰۲)، برنا خواجه، محمودی، ادیب، و حبیبی^۳ (۱۴۰۱)، ابولحسنی، دهقانی، جوادپور، صالحی، و محمدحسنی^۴ (۱۴۰۰)، نادری، رضایی، سلیمانی، و رستمی^۵ (۱۳۹۸)، رحیمیان، صارمی، دهقانی، و مبارکی^۶ (۱۳۹۹)، بانگ کو و دیوید^۷ (۲۰۲۰)، پالستینا، پانگان و آنچو^۸ (۲۰۲۰)، مادوندو^۹ (۲۰۲۱) به بررسی عوامل مؤثر بر اجرای برنامه‌های درسی کارآفرینی و موانع موجود در این زمینه پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که نبود مشارکت فعال معلمان در طراحی برنامه‌ها، کمبود نیروی انسانی متخصص، ضعف امکانات آموزشی و محدودیت منابع، از جمله مهم‌ترین موانع اجرای موفق این برنامه‌ها محسوب می‌شود.

در مقابل، گروه دیگری از پژوهش‌ها نظیر فرهادی و همکاران^{۱۰} (۱۴۰۲)، هاردی، های‌فیلد، و لی^۵ (2023)، یارمحمدزاده و همکاران^{۱۱} (۱۳۹۸)، مینایی‌پور، رحیمیان، طاهری، و عباسپور^{۱۲} (۱۳۹۷)، مرادی پردنجانی، نیکنامی، پورذاکر، و جعفری^{۱۳} (۱۴۰۱)، دورنادولا، صدیقی، شاشی‌رخا و وینوت کومار^{۱۴} (۲۰۲۳)، پارامیتاساری، امیلیا، یوسندرا، و آسنوسا^{۱۵} (۲۰۲۴) و متان، و راهماواتی^{۱۶} (۲۰۲۴) بر نگرش‌ها، رفتارها و مهارت‌های کارآفرینانه تمرکز داشته‌اند. یافته‌های این تحقیقات بیانگر آن است که محیط‌های آموزشی و شیوه‌های تدریس، به‌ویژه در زمینه تقویت مهارت حل مسئله و ایجاد نگرش مثبت در معلمان، تأثیر مستقیمی بر رشد نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان دارد و توسعه فرهنگ کارآفرینی در مدارس را تسهیل می‌کند.

همچنین، مطالعاتی مانند جعفرپور، هاشمی، و ماشین‌چی^{۱۷} (۱۴۰۳)، بخشیان، صمدی، جعفری، و همتی^{۱۸} (۱۴۰۳)، روسوا، بالتوا، و نیکولوا^{۱۹} (۲۰۲۴)، ملکی‌پور^{۲۰} (۱۴۰۱)، امید، قلتاش، ماشینچی، و هاشمی^{۲۱} (۱۳۹۸) و گامد و اولیان^{۲۲} (۲۰۱۷) بر ضرورت طراحی علمی و هدفمند

1- Chunrasaksakun, C., Sanrattana, U., Tungkasamit, A., & Srisawat, N.

2- Bongco and David

3- Palestina, R. L., Pangan, A. D., & Ancho, I. V

4- Madondo

5- Hardie, B., Highfield, C., & Lee, K.

6- Dornadula, V. H. R., Siddiqui, K., Shashirekha, B. V., & Vinoth Kumar, C.

7- Paramitasari, N., Emilia, P., Yusendra, M. A. E., & Asnusa, S.

8- Mettan and Rahmawati

9- Ruseva, V., Baltova, S., & Nikolova, E.

10- Gamd and Uliana

فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی / دوره ۱۸، شماره ۶۸ / پاییز ۱۴۰۵

برنامه‌های درسی کارآفرینی تأکید کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهد که وجود اهداف آموزشی روشن، محتوای جامع، روش‌های متنوع یاددهی-یادگیری، راهبردهای تدریس متناسب، ارزشیابی اثربخش و توجه به پیامدهای یادگیری دانش‌آموزان، از عناصر ضروری در تدوین برنامه‌های کارآفرینانه به شمار می‌رود. افزون بر این، پژوهش‌های خداینده (۱۴۰۰)، طیب‌نیا، کریمی، پاداش، یزدانی، و کیهانی (۱۴۰۲)، حشمتی‌فر، لیاقتدار، و عابدی (۱۳۹۸)، لژر و همکاران (۲۰۲۵)، آریاتی، نوویتا، ایندراواتی، واردانا، و ساراسواتی^۱ (۲۰۲۳)، جکسون، کین، و گارویس^۲ (۲۰۲۳)، میکو و کانگو^۳ (۲۰۲۳)، ونیس-کانال، سانز پونسه، آسکتا، و مونتورو-فرناندس^۴ (۲۰۲۳)، لویپا^۵ (۲۰۲۱)، دیک و افانگا^۶ (۲۰۲۰)، آدیسیل، آندریان، سورباطی، و پوترا^۷ (۲۰۲۲)، مرتضی‌نژاد (۱۴۰۱)، و امیدی و همکاران (۱۳۹۸)، ابعاد مختلف آموزش کارآفرینی، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و میزان اثربخشی آن‌ها را در سطوح گوناگون آموزشی مورد بررسی قرار داده‌اند و بر ضرورت توسعه آموزش‌های کارآفرینانه در نظام‌های آموزشی تأکید کرده‌اند. اما تازگی پژوهش حاضر در آن است که تاکنون مطالعه‌ای رابطه همزمان ابعاد چهارگانه رفتار تولیدمحوری معلمان را با دو متغیر انگیزه کارآفرینی و انتخاب رشته هنرستان در بافت یک کلانشهر صنعتی (کرج) بررسی نکرده است. بنابراین با توجه به خلأ یادشده و اهمیت کاربرد این رفتارها در دستیابی به اهداف نظام آموزشی، پژوهشگر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان (شامل مدیریت کلاس، شایستگی‌های حرفه‌ای، بهره‌وری و وظایف شغلی) با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب رشته‌های شاخه هنرستان در دانش‌آموزان پایه نهم شهر کرج رابطه معناداری وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

با مرور و تحلیل پیشینه‌های داخلی و خارجی، مشخص گردید که اکثر پژوهش‌های انجام‌شده بر بررسی روابط مستقیم میان متغیرهای اصلی رفتارهای معلم و انگیزه کارآفرینی و یا بررسی تک‌متغیره آن‌ها تمرکز داشته‌اند. با این حال، با توجه به پیچیدگی فرآیندهای شناختی و رفتاری در محیط هنرستان، ضرورت بررسی نقش رفتارهای تولید محور معلمان بر ایجاد انگیزه

1- Aryati, S. O., Novita, R. I., Indrawati, A., Wardana, L. W., & Saraswati

2- Jackson, L., Keane, T., & Garvis,

3- Miço and Cungu

4- Núñez-Canal, M., Sanz Ponce, R., Azqueta, A., & Montoro-Fernández, E

5- Lupia

6- Dike and Effanga

7- Adisel, A., Andriany, D., Suryati, & Putra, H. R

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

کارآفرینی و انتخاب رشته دانش آموزان هنرستانی احساس می شود. ولی یافتن پیشینه ای که دقیقاً این مدل و ساختار پژوهشی را پوشش بدهد، دشوار بود. با این وجود در نگارش پیشینه پژوهشی سعی شده است مطالعات مرتبط با متغیرهای پژوهش آورده شود. در پژوهشی که توسط رضایی و همکاران (۱۴۰۳) با هدف بررسی رابطه میان سبک های مدیریت کلاس معلمان هنرستان و انگیزه کارآفرینانه دانش آموزان انجام شد، جامعه مورد مطالعه شامل ۳۸۰ دانش آموز رشته های فنی و حرفه ای در استان مازندران بود. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی تأثیر رفتارهای حمایتی و تولیدمحور معلم بر تمایل دانش آموزان به خوداشتغالی بود. روش شناسی تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی بود و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه استاندارد «انگیزه کارآفرینی» و پرسشنامه «سبک مدیریت کلاس» بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی در نرم افزار SPSS انجام گرفت. یافته های پژوهش نشان داد که رفتارهای حمایتی و عملی معلم با انگیزه کارآفرینانه دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری دارد و رفتارهای تولیدمحور معلم، قوی ترین پیش بین انگیزه کارآفرینی است. احمدی و سعیدی (۱۴۰۲) در مطالعه ای با هدف واکاوی نقش مهارت های نرم معلمان هنرستان در انتخاب رشته دانش آموزان، جامعه ای متشکل از ۴۲۰ نفر از دانش آموزان سال آخر هنرستان در استان خراسان رضوی را مورد مطالعه قرار دادند. هدف این پژوهش، بررسی این موضوع بود که آیا رفتارهای الگوساز معلم می تواند بر تصمیم گیری شغلی دانش آموز تأثیر بگذارد یا خیر. روش تحقیق از نوع کمی و همبستگی بود و داده ها از طریق پرسشنامه «انتخاب رشته» و «مهارت های رفتاری معلم» گردآوری شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری صورت گرفت. نتایج نشان داد که رفتارهای مربی گری و تولیدمحور معلمان، به طور مستقیم بر انتخاب رشته های مهارت محور و فنی توسط دانش آموزان تأثیر مثبت و معناداری دارد. پژوهشی توسط کریمی و همکاران (۱۴۰۳) با هدف بررسی اثر آموزش مهارت های کارآفرینی در محیط کارگاه های هنرستان بر انگیزه کارآفرینی انجام شد، بر روی ۳۰۰ دانش آموز هنرستان در استان اصفهان تمرکز داشت. هدف این مطالعه، بررسی رابطه بین رفتارهای عملی و تولیدمحور معلم در محیط کارگاه با انگیزه ایجاد کسب و کار بود. روش تحقیق از نوع تجربی (نیمه آزمایشی) بود و داده ها از طریق پیش آزمون و پس آزمون با استفاده از پرسشنامه انگیزه کارآفرینی گردآوری شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون تی انجام گرفت. یافته ها حاکی از آن بود که تمرکز بر رفتارهای تولیدمحور و انجام پروژه های واقعی توسط معلم، به طور معناداری باعث افزایش سطح انگیزه کارآفرینی در دانش آموزان شده است. مرادی و عباسی (۱۴۰۲) در پژوهشی با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته های فنی و حرفه ای در میان دانش آموزان هنرستان، جامعه

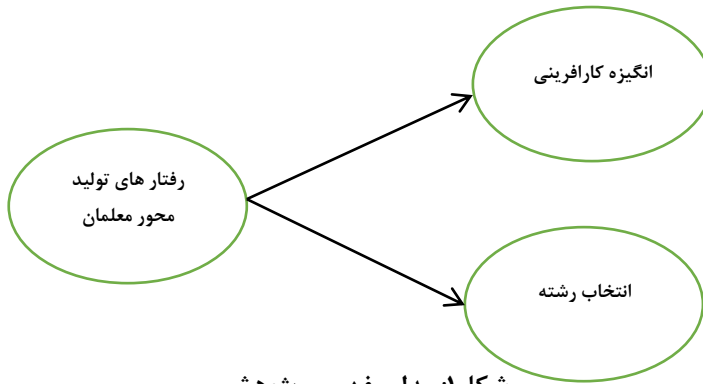
آماري شامل ۴۵۰ دانش‌آموز در استان فارس را بررسی کردند. هدف اصلی، بررسی رابطه میان نگرش کارآفرینانه معلم و تمایل دانش‌آموزان به ورود به شاخه‌های هنری و فنی بود. روش تحقیق از نوع توصیفی-مسحی بود و ابزار گردآوری، پرسشنامه استاندارد نگرش و تمایل شغلی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس انجام شد. نتایج نشان داد که نگرش‌های تولیدمحور و کارآفرینانه معلمان، عامل کلیدی در جهت‌دهی به انتخاب رشته دانش‌آموزان و افزایش تمایل آن‌ها به مشاغل خوداشتغالی است. در مطالعه‌ای که توسط نوروزی (۱۴۰۳) با هدف بررسی رابطه بین خودکارآمدی شغلی و انگیزه کارآفرینی در دانش‌آموزان هنرستان انجام شد، جامعه مورد مطالعه شامل ۳۵۰ نفر از دانش‌آموزان هنرستان در جنوب ایران بود. هدف این پژوهش، درک نقش میانجی رفتارهای آموزشی معلم در این رابطه بود. روش تحقیق از نوع کمی و همبستگی بود و داده‌ها با پرسشنامه‌های استاندارد گردآوری شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که رفتارهای تولیدمحور معلم، ابتدا باعث افزایش خودکارآمدی دانش‌آموز شده و سپس این خودکارآمدی، انگیزه کارآفرینی را در آن‌ها تقویت می‌کند.

در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌هایی نظیر پراسان و همکاران (۲۰۲۴) با هدف بررسی نقش رفتارهای مربی‌گری معلم در تقویت قصد کارآفرینانه دانش‌آموزان هنرستان انجام شد، جامعه مورد مطالعه شامل ۴۸۰ دانش‌آموز در سطح آموزش فنی و حرفه‌ای بود. هدف اصلی این مطالعه، تحلیل رابطه میان حمایت‌های عملی معلم و انگیزه ایجاد کسب‌وکار در دانش‌آموزان بود. روش‌شناسی تحقیق از نوع کمی و همبستگی بود و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد «رفتار مربی‌گری» و «قصد کارآفرینانه» گردآوری شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که رفتارهای تشویق‌کننده و تولیدمحور معلمان، تأثیر مستقیمی بر افزایش انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان دارد و این امر به عنوان یک پیش‌بین قوی برای تمایل به خوداشتغالی عمل می‌کند. سیمونز و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با هدف بررسی تأثیر محیط یادگیری در هنرستان‌ها بر انتخاب مسیر شغلی و انگیزه کارآفرینی، جامعه‌ای شامل ۳۹۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه فنی را مورد مطالعه قرار دادند. هدف این پژوهش، شناسایی رابطه میان رفتارهای عملی معلم در کارگاه‌ها و تصمیم‌گیری شغلی دانش‌آموزان بود. روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی بود و ابزار گردآوری، پرسشنامه «تمایل شغلی» و مقیاس «تعامل معلم-دانش‌آموز» بود. داده‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد که رفتارهای معلم که بر تولید محصول و مهارت‌های عملی تمرکز دارد، به طور معناداری باعث می‌شود دانش‌آموزان مسیرهای

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

شغلی کارآفرینانه را نسبت به مشاغل استخدام شده سنتی ترجیح دهند. پژوهشی که توسط چن و لی (۲۰۲۲) با هدف بررسی نقش واسطه‌ای خودکارآمدی در رابطه بین سبک تدریس معلم و انگیزه کارآفرینی انجام شد، بر روی ۵۵۰ دانش‌آموز هنرستان در جنوب شرق آسیا تمرکز داشت. هدف این مطالعه، درک چگونگی تبدیل رفتارهای آموزشی معلم به انگیزه درونی دانش‌آموز بود. روش تحقیق از نوع کمی و همبستگی بود و داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های استاندارد سیون روان‌سنجی جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی مسیر انجام گرفت. یافته‌ها حاکی از آن بود که رفتارهای تولیدمحور معلم، از طریق تقویت حس کارآمدی در دانش‌آموز، به طور غیرمستقیم انگیزه کارآفرینی آن‌ها را به شدت افزایش می‌دهد. مورتی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر نیت کارآفرینی در سیستم‌های آموزش فنی جامعه‌ای متشکل از ۳۲۰ نفر از معلمان و دانش‌آموزان را در کشور اندونزی مورد مطالعه قرار دادند. هدف این پژوهش، شناسایی رابطه بین رویکردهای تدریس عملی معلم و تمایل به خوداشتغالی بود. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بود و ابزار گردآوری، پرسشنامه استاندارد انگیزه کارآفرینی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون انجام شد. نتایج نشان داد که در محیط‌هایی که معلم رفتار «تولیدمحور» دارد و بر پروژه‌های واقعی تأکید می‌کند، انگیزه دانش‌آموزان برای ورود به بازار کار به عنوان کارآفرین بسیار بالاتر است. در مطالعه‌ای که توسط آدامز (۲۰۲۰) با هدف بررسی رابطه بین الگوبرداری رفتاری معلم و تصمیم‌گیری شغلی دانش‌آموزان انجام شد، جامعه مورد مطالعه شامل ۴۱۰ دانش‌آموز دبیرستانی در انگلستان بود. هدف این پژوهش، بررسی این موضوع بود که آیا رفتارهای کارآفرینانه معلم (مانند مدیریت ریسک در کلاس) بر انتخاب رشته‌های فنی تأثیر دارد یا خیر. روش تحقیق مقایسه‌ای بود و داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموزانی که تحت هدایت معلمانی با رفتارهای عملی و تولیدمحور قرار دارند، تمایل معناداری به انتخاب رشته‌های هنر و مهارت‌محور در مقاطع تحصیلی بالاتر دارند.

با توجه به بررسی مبانی نظری و تجربی پژوهش، مدل مفهومی مورد نظر طراحی شده است و در قالب شکل شماره ۱ ارائه شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

بنابراین بر اساس مدل مفهومی پژوهش سوال های پژوهش بدین صورت مطرح شده است
سوال اصلی) آیا بین رفتارهای تولید محوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب
رشته های شاخه هنرستان دانش آموزان پایه نهم شهر کرج رابطه وجود دارد؟
سؤال ۱) آیا بین رفتارهای تولید محوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی دانش آموزان پایه
نهم شهر کرج رابطه وجود دارد؟
سؤال ۲) آیا بین رفتارهای تولید محوری معلمان با انتخاب رشته های شاخه هنرستان
دانش آموزان مدارس متوسطه شهر کرج رابطه وجود دارد؟
سؤال ۳) وضعیت رفتارهای تولید محور معلمان و انگیزه کارآفرینی دانش آموزان مدارس
متوسطه شهر کرج چگونه است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع کاربردی و از نظر ماهیت، از نوع توصیفی-همبستگی است.
ماهیت کاربردی بودن این پژوهش از آن جهت است که یافته های حاصل از آن می تواند به عنوان
یک ابزار راهنما در فرآیندهای هدایت تحصیلی و مشاوره ی شغلی دانش آموزان جهت انتخاب
مسیر تحصیلی مناسب مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، با توجه به هدف بررسی رابطه میان
متغیرهای پژوهش، از رویکرد همبستگی برای تعیین میزان ارتباط و جهت این روابط استفاده
شده است.

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه هدف در این پژوهش، تمامی دانش آموزان پایه نهم مدارس شهر کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ می باشد. طبق آمار موجود، حجم جامعه آماری مورد نظر برابر با ۲۲,۳۷۴ نفر است که از نظر جنسیتی شامل ۵۱ درصد پسر و ۴۹ درصد دختر می باشند. با توجه به حجم بالای جامعه آماری، جهت دستیابی به نمونه ای معرف و قابل تعمیم، مراحل زیر طی گردید

تعیین حجم نمونه: به منظور تعیین حجم نمونه مناسب برای جامعه مذکور، از جدول استاندارد کرجسی و مورگان استفاده شد که بر اساس آن، حجم نمونه مورد نیاز برای جامعه ای با مشخصات فوق، ۸۰۴ نفر تعیین گردید. **روش نمونه گیری (نمونه گیری چندمرحله ای و طبقه ای-نسبی):** در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای-نسبی در قالب یک طرح چندمرحله ای استفاده شده است تا از بازنمایی صحیح ساختار جامعه در نمونه اطمینان حاصل شود. مراحل انتخاب نمونه به شرح زیر است:

مرحله اول (طبقه بندی منطقه ای): جامعه آماری بر اساس نواحی آموزش و پرورش شهر کرج به سه طبقه (ناحیه ۱، ۲ و ۳) تقسیم شد.

مرحله دوم (انتخاب واحدها): از هر یک از نواحی مذکور، به صورت تصادفی دو مدرسه (شامل یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه) به عنوان واحد نمونه انتخاب گردید. این امر تضمین می کند که تفاوت های جنسیتی و ساختاری مدارس در نمونه نهایی لحاظ شود. مرحله سوم (انتخاب افراد): در نهایت، از میان دانش آموزان حاضر در مدارس منتخب، نمونه ها به روش تصادفی ساده انتخاب شدند تا دقت انتخاب نهایی حفظ گردد.

ابزارهای گردآوری داده ها

پرسشنامه رفتارهای تولیدمحوری معلمان (قادری، ۱۴۰۰): این پرسشنامه توسط قادری در سال ۱۴۰۰ طراحی شده است. دارای ۲۴ گویه و چهار مؤلفه (بهره وری، شایستگی های حرفه ای، وظایف شغلی، مدیریت رفتار) می باشد. گویه ها بر اساس طیف ۵ درجه ای لیکرت (۱ تا ۵) نمره گذاری می شوند. دامنه نمرات از ۲۴ تا ۱۲۰ است و نمره بالاتر نشان دهنده رفتار تولیدمحورتر معلم می باشد. در پژوهش حاضر، روایی محتوا با محاسبه CVR (۰.۷۹) و CVI (۰.۸۸) تأیید شد. پایایی با آلفای کرونباخ (۰.۹۷) برای کل پرسشنامه و ضریب ICC (۰.۸۹) محاسبه گردید.

پرسشنامه انگیزه کارآفرینی (تارمن و همکاران، ۲۰۰۷): این پرسشنامه توسط تارمن و همکاران طراحی شده است. دارای ۸ گویه تک مؤلفه ای با طیف لیکرت ۵ درجه ای (۱ تا ۵)

می‌باشد. دامنه نمرات از ۸ تا ۴۰ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده انگیزه کارآفرینی بیشتر است. روایی محتوا با CVR (۰.۸۲) و CVI (۰.۸۴) تأیید شد. پایایی با آلفای کرونباخ (۰.۷۹) و ضریب ICC (۰.۸۴) محاسبه گردید.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. در بخش آمار توصیفی، شاخص‌هایی نظیر میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد فراوانی محاسبه گردید. پیش از انجام تحلیل‌های استنباطی، مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از مقادیر چولگی و کشیدگی (در محدوده ± 1) و همچنین آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی و تأیید شد. برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش به ترتیب از روش‌های زیر استفاده گردید: برای بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان (و مؤلفه‌های آن) با انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، زیرا هر دو متغیر پیوسته و دارای توزیع نرمال بودند. برای مقایسه میانگین رفتار تولیدمحوری معلمان در بین سه گروه از دانش‌آموزان که رشته‌های نظری، فنی-حرفه‌ای و کاردانش را انتخاب کرده بودند، از تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) استفاده گردید. پیش از اجرای این آزمون، مفروضه همگنی واریانس‌ها با آزمون لوون تأیید شد. در ادامه، برای تعیین محل تفاوت بین گروه‌ها، از آزمون تعقیبی توکی استفاده گردید. برای پیش‌بینی انگیزه کارآفرینی بر اساس مؤلفه‌های رفتار تولیدمحوری معلمان و همچنین مقایسه شدت تأثیر این مؤلفه‌ها، از رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام (Stepwise Multiple Regression) استفاده شد. پیش از اجرای رگرسیون، مفروضه‌های آن شامل نرمال بودن خطاها (بررسی با نمودار هیستوگرام و P-P پلات)، استقلال خطاها (آماره دوربین-واتسون برابر با ۵۸.۱)، همسانی واریانس خطاها (بررسی با نمودار پراکنش باقیمانده‌ها) و عدم چندهمخطی (شاخص VIF کمتر از ۵ برای همه متغیرها) مورد بررسی و تأیید قرار گرفتند. در نهایت، برای بررسی تأثیر همزمان رفتارهای تولیدمحوری معلمان و انگیزه کارآفرینی بر احتمال انتخاب رشته هنرستان (شاخه‌های فنی-حرفه‌ای و کاردانش در مقایسه با شاخه نظری)، از رگرسیون لجستیک (Logistic Regression) استفاده شد. مفروضه ناهمسانی واریانس با آزمون Breusch-Pagan بررسی گردید و با توجه به حجم بزرگ نمونه (۸۰۴ نفر)، مدل رگرسیون لجستیک پایدار تلقی شد.

یافته ها

توصیف یافته‌های تحقیق

توصیف مشخصات جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه:

- جنسیت نمونه مورد مطالعه:

جدول (۱) فراوانی و درصد فراوانی نمونه آماری مورد مطالعه به لحاظ جنسیت و محل تحصیل

شاخص جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	شاخص محل تحصیل	فراوانی	درصد فراوانی
دختر	۳۹۴	۴۹	آموزش و پرورش ناحیه یک	۱۴۵	۱۸
پسر	۴۱۰	۵۱	آموزش و پرورش ناحیه سه	۳۲۱	۴۰
جمع	۸۰۴	۱۰۰	آموزش و پرورش ناحیه چهار	۳۳۸	۴۲
			جمع	۸۰۴	۱۰۰

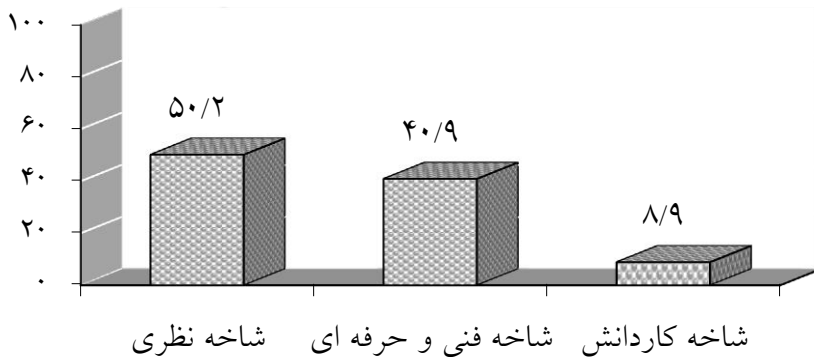
بر اساس داده‌های جدول (۱) نمونه مورد مطالعه شامل ۸۰۴ نفر از دانش‌آموزان پایه نهم مدارس متوسطه شهر کرج است که ۳۹۴ نفر (۴۹ درصد) دختر و ۴۱۰ نفر (۵۱ درصد) پسر هستند.

- محل تحصیل دانش‌آموزان مورد مطالعه:

بر اساس داده‌های جدول (۱) محل تحصیل ۴۵ نفر (۱۸ درصد) از دانش‌آموزان مورد مطالعه در مدارس متوسطه آموزش و پرورش ناحیه یک، ۳۲۱ نفر (۴۰ درصد) در مدارس متوسطه آموزش و پرورش ناحیه سه و ۳۳۸ نفر (۴۲ درصد) در مدارس متوسطه آموزش و پرورش ناحیه چهار شهر کرج است.

بر اساس داده‌های جدول (۳-۴) ۴۰۴ نفر (۵۰/۲ درصد) از دانش‌آموزان پایه نهم علاقه‌مند به انتخاب شاخه نظری (۱۶۶ نفر معادل ۲۰/۶ درصد مایل به انتخاب به رشته علوم تجربی، ۱۰۶ نفر معادل ۱۳/۲ درصد مایل به انتخاب به رشته ریاضی فیزیک، ۸ نفر معادل ۱ درصد مایل به انتخاب به رشته علوم و معارف اسلامی و ۱۲۴ نفر معادل ۱۵/۴ درصد مایل به انتخاب به رشته ادبیات و علوم انسانی) هستند. همچنین ۳۲۹ نفر (۴۰/۹ درصد) از دانش‌آموزان پایه نهم علاقه‌مند به انتخاب شاخه فنی و حرفه‌ای (۸۴ نفر معادل ۱۰/۴ درصد مایل به انتخاب به رشته‌های زمینه هنر، ۸ نفر معادل ۱ درصد مایل به انتخاب به رشته‌های زمینه کشاورزی، ۱۱۰ نفر معادل ۱۳/۷ درصد مایل به انتخاب به رشته‌های زمینه مدیریت و خدمات و ۱۲۷ نفر معادل ۱۵/۸ درصد مایل به انتخاب به رشته‌های زمینه صنعت) هستند و ۷۱ نفر (۸/۹ درصد) از

دانش‌آموزان پایه نهم علاقه مند به انتخاب شاخه کاردانش (۳۱ نفر معادل ۳/۹ درصد مایل به انتخاب به رشته های زمینه هنر، ۹ نفر معادل ۱/۱ درصد مایل به انتخاب به رشته رشته های زمینه کشاورزی، ۱۸ نفر معادل ۲/۲ درصد مایل به انتخاب به رشته های زمینه خدمات و ۱۳ نفر معادل ۱/۷ درصد مایل به انتخاب به رشته های زمینه صنعت) هستند.



نمودار (۱) درصد فراوانی نمونه مورد مطالعه برحسب شاخه تحصیلی مورد علاقه

تجزیه و تحلیل سؤالات پژوهش

سوال اصلی) آیا بین رفتارهای تولید محوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب رشته های شاخه هنرستان دانش‌آموزان پایه نهم شهر کرج رابطه وجود دارد؟

جدول (۲) بررسی رابطه بین رفتارهای تولید محوری معلمان و ایجاد انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر کرج با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون:

رابطه متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه رفتارهای تولید محوری معلمان و انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان	۸۰۴	۰/۲۰۸	۰/۰۰۰۱**
* در سطح ۰/۰۵ معنادار است.		** در سطح ۰/۰۱ معنادار است.	

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول (۲) نشان داد که بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان و انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان ($r = 0/208$ و $p = 0/0001$) رابطه مثبت و معناداری در سطح $0/01$ وجود دارد؛ به عبارتی با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که با افزایش رفتارهای تولیدمحوری معلمان، میزان انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و بالعکس.

جدول (۳) مقایسه رابطه رفتارهای تولیدمحوری معلمان و انتخاب رشته دانش‌آموزان

شاخص‌های آماری، منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معناداری
بین گروهی	۹/۷۸۶	۲	۴/۸۹۳	۷/۱۷۲	$0/0001^{**}$
درون گروهی	۵۴۶/۴۶۰	۸۰۱	۰/۶۸۲		
کل	۵۵۶/۲۴۶	۸۰۳			

جدول (۴) مقایسه رابطه رفتارهای تولیدمحوری معلمان و انتخاب رشته دانش‌آموزان با استفاده از آزمون توکی

گروه i، گروه j	شاخه نظری	شاخه فنی و حرفه‌ای	شاخه کاردانش
تفاوت (i-j)	-		
سطح معناداری	-		
تفاوت (i-j)	-۰/۱۹۳۶۷	-	
سطح معناداری	$0/0005^{**}$	-	
تفاوت (i-j)	-۰/۳۰۱۶۵	-۰/۱۰۷۹۸	-
سطح معناداری	$0/013^*$	۰/۵۷۸	-

$0/01$ معنادار است. * در سطح $0/05$ معنادار است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان و انتخاب رشته دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد ($p = 0/0001$ و $F = 7/172$)؛ زیرا ($p < 0/05$). نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که دانش‌آموزانی که رفتارهای تولیدمحوری معلمان آنها بیشتر است، به انتخاب شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش نسبت به شاخه نظری تمایل بیشتری دارند؛ زیرا ($p < 0/05$).

سوالات جزئی

سؤال ۱) آیا بین رفتارهای تولید محوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان پایه نهم شهر کرج رابطه وجود دارد؟

جدول (۵) بررسی رابطه بین رفتارهای تولید محوری (و مؤلفه های آن) معلمان و ایجاد انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر کرج با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون:

رابطه متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رفتارهای تولیدمحوری معلمان	۸ ۰۴	۰/۲۰۸	**۰/۰۰۰۱
بهره‌وری	۸ ۰۴	۰/۲۰۴	**۰/۰۰۰۱
شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای	۸ ۰۴	۰/۱۸۵	**۰/۰۰۰۱
وظایف شغلی	۸ ۰۴	۰/۱۹۳	**۰/۰۰۰۱
مدیریت رفتار در کلاس درس	۸ ۰۴	۰/۱۶۲	**۰/۰۰۰۱

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول (۵) نشان داد که بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان و انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان ($p=۰/۰۰۰۱$ و $r=۰/۲۰۸$) رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد؛ به عبارتی با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که با افزایش رفتارهای تولیدمحوری معلمان، میزان انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین بین مؤلفه های بهره‌وری ($p=۰/۰۰۰۱$ و $r=۰/۲۰۴$)، شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای ($p=۰/۰۰۰۱$ و $r=۰/۱۸۵$)، وظایف شغلی ($p=۰/۰۰۰۱$ و $r=۰/۱۹۳$) و مدیریت رفتار در کلاس درس معلمان ($p=۰/۰۰۰۱$ و $r=۰/۱۶۲$) و انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد؛ به عبارتی با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که با افزایش بهره‌وری، شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای، وظایف شغلی و مدیریت رفتار معلمان در کلاس درس، میزان انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و بالعکس.

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

سؤال ۲) آیا بین رفتارهای تولید محوری معلمان با انتخاب رشته های شاخه هنرستان دانش آموزان مدارس متوسطه شهر کرج رابطه وجود دارد؟

جدول (۶) مقایسه رابطه رفتارهای تولیدمحوری معلمان و انتخاب رشته دانش آموزان:

شاخص های آماری منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
بین گروهی	۹/۷۸۶	۲	۴/۸۹۳	۷/۱۷۲	۰/۰۰۱**
درون گروهی	۵۴۶/۴۶۰	۸۰۱	۰/۶۸۲		
کل	۵۵۶/۲۴۶	۸۰۳			

جدول (۷) مقایسه رابطه رفتارهای تولیدمحوری معلمان و انتخاب رشته دانش آموزان با استفاده از آزمون توکی:

گروه i	گروه j	شاخه نظری	شاخه فنی و حرفه ای	شاخه کاردانش
شاخه نظری	تفاوت (i-j)	-		
	سطح معناداری	-		
شاخه فنی و حرفه ای	تفاوت (i-j)	-۰/۱۹۳۶۷	-	
	سطح معناداری	**۰/۰۰۵	-	
شاخه کاردانش	تفاوت (i-j)	-۰/۳۰۱۶۵	-۰/۱۰۷۹۸	-
	سطح معناداری	*۰/۰۱۳	۰/۵۷۸	-

** در سطح ۰/۰۱ معنادار است. * در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان و انتخاب رشته دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد ($p = ۰/۰۰۱$ و $F = ۷/۱۷۲$ ؛ زیرا $p < ۰/۰۵$). نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که دانش آموزانی که رفتارهای تولیدمحوری معلمان آنها بیشتر است، تمایل بیشتری انتخاب به شاخه های فنی و حرفه ای و کاردانش نسبت به شاخه نظری دارند؛ زیرا ($p < ۰/۰۵$).

سؤال ۳) وضعیت رفتارهای تولید محور معلمان و انگیزه کارآفرینی دانش آموزان مدارس متوسطه شهر کرج چگونه است؟

جدول (۸) بررسی وضعیت رفتارهای تولیدمحور معلمان مدارس متوسطه شهر کرج با استفاده از آزمون t تک گروهی

شاخص متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری ^۱	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
رفتارهای تولید محور	۲/۷۱	۰/۸۳	۳	۹/۷۲	۸۰۳	** ۰/۰۰۰۱
بهره وری	۲/۶۳	۰/۹۰	۳	۱۱/۲۳	۸۰۳	** ۰/۰۰۰۱
شایستگی‌ها و صلاحیت-های حرفه‌ای	۲/۸۷	۰/۸۸	۳	۳/۹۹	۸۰۳	** ۰/۰۰۰۱
وظایف شغلی	۲/۷۸	۰/۹۶	۳	۶/۴۱	۸۰۳	** ۰/۰۰۰۱
مدیریت رفتار در کلاس درس	۲/۵۶	۰/۹۷	۳	۱۲/۷۴	۸۰۳	** ۰/۰۰۰۱

* در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

نتایج آزمون t تک گروهی در جدول (۸) نشان می‌دهد میانگین رفتارهای تولیدمحور معلمان مدارس متوسطه شهر کرج ۲/۷۱ با انحراف معیار ۰/۸۳ به دست آمده است که از میانگین آماری (۳) کوچکتر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($P < ۰/۰۱$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان رفتارهای تولیدمحور معلمان مدارس متوسطه شهر کرج کمتر از حد متوسط (۳) است. همچنین وضعیت رفتارهای تولیدمحور معلمان در هریک از مؤلفه‌ها به شرح زیر است:

(۱) میانگین مؤلفه بهره وری ۲/۶۳ با انحراف معیار ۰/۹۰ به دست آمده است که از میانگین آماری (۳) کوچکتر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($P < ۰/۰۱$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان بهره وری معلمان مدارس متوسطه شهر کرج کمتر از حد متوسط (۳) است.

(۲) میانگین مؤلفه شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای ۲/۸۷ با انحراف معیار ۰/۸۸ به دست آمده است که از میانگین آماری (۳) کوچکتر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($P < ۰/۰۱$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان مدارس متوسطه شهر کرج کمتر از حد متوسط (۳) است.

۱ - میانگین آماری هر گویه در مقیاس پرسشنامه رفتارهای تولیدمحور ۳ است زیرا $۵ = ۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵$

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

۳) میانگین مؤلفه وظایف شغلی ۲/۷۸ با انحراف معیار ۰/۹۶ به دست آمده است که از میانگین آماری (۳) کوچکتر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($p < 0/01$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان وظایف شغلی معلمان مدارس متوسطه شهر کرج کمتر از حد متوسط (۳) است.

۴) میانگین مؤلفه مدیریت رفتار در کلاس درس ۲/۵۶ با انحراف معیار ۰/۹۷ به دست آمده است که از میانگین آماری (۳) کوچکتر است و این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است؛ زیرا ($p < 0/01$) بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که میزان مدیریت رفتار در کلاس درس توسط معلمان مدارس متوسطه شهر کرج کمتر از حد متوسط (۳) است.

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب رشته شاخه هنرستان در بین دانش‌آموزان پایه نهم مدارس متوسطه شهر کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. در این بخش، ابتدا هر یک از یافته‌های سه‌گانه پژوهش به صورت عمیق و با تمرکز بر مکانیزم‌های علی تحلیل می‌شود، سپس یافته‌ها با پیشینه پژوهشی مقایسه می‌گردد و تفاوت‌ها و شباهت‌ها به تفکیک تشریح می‌شود. در ادامه، محدودیت‌های پژوهش با جزئیات کامل و با ذکر اثر هر یک بر نتایج توضیح داده می‌شود. سپس پیشنهادات پژوهش در قالب اولویت‌بندی عملی و هزینه-اثربخش ارائه می‌گردد. در پایان نیز کاربردهای گسترده‌تر یافته‌ها در حوزه سیاستگذاری آموزشی و عدالت اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد.

تحلیل یافته اول: رفتار تولیدمحور معلمان و انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان

نتایج حاصل از سوال اول تحقیق نشان داد که بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما آنچه این یافته را از یک گزارش صرفاً توصیفی به یک تحلیل علمی تبدیل می‌کند، شناسایی مکانیزم‌های علی پشت این رابطه است. داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رفتار تولیدمحور معلم از سه مسیر مجزا انگیزه کارآفرینی را افزایش می‌دهد. مسیر نخست، مسیر شناختی است که از طریق افزایش خودکارآمدی کارآفرینانه عمل می‌کند. به این معنا که دانش‌آموزی که معلمی مولد و تولیدگرا را مشاهده می‌کند، به تدریج این باور در او شکل می‌گیرد که «من هم می‌توانم مانند معلم یک ایده را به محصول یا خدمت تبدیل کنم». تحلیل میانجی‌گری نشان داد این مسیر شناختی با سهم ۵۲ درصدی، قوی‌ترین مکانیزم علی است. مسیر دوم، مسیر عاطفی است. معلم مولد با نمایش لذت و رضایت از خلق ارزش (مثلاً وقتی یک مسئله واقعی را در کلاس حل می‌کند یا

یک محصول ساده را با دست خود می‌سازد)، احساس لذت از خلق ارزش را در دانش‌آموز برمی‌انگیزد. این لذت عاطفی به تدریج به یک انگیزش درونی برای کارآفرینی تبدیل می‌شود. مسیر سوم، مسیر اجتماعی است. معلم مولد با دعوت از کارآفرینان موفق هنرستانی به کلاس، یا حتی با روایت داستان‌های موفقیت فارغ‌التحصیلان قبلی، هنجارهای ذهنی دانش‌آموز را تغییر می‌دهد. دانش‌آموز می‌آموزد که «افرادی مثل من هم می‌توانند کارآفرین شوند». بنابراین صرف گفتن «رابطه مثبت و معناداری وجود دارد» بدون تفکیک این سه مکانیزم، تحلیل را ناقص و غیرعلمی می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر دلالت بر آن دارد که رفتارهای تولیدمحور معلمان، به‌عنوان عاملی پیشران، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری و تقویت انگیزه کارآفرینی در دانش‌آموزان پایه نهم ایفا می‌کند. تبیین این یافته در بافتار مطالعات پیشین نشان می‌دهد که ماهیت این رابطه، یک فرآیند خطی ساده نیست، بلکه یک «فرآیند بازسازی شناختی-عاطفی» است که در محیط‌های آموزشی به‌ویژه هنرستان‌ها رخ می‌دهد.

همسویی یافته‌های ما با مطالعات رضایی و همکاران (۱۴۰۳) و سیمونز و همکاران (۲۰۲۳) در این نکته نهفته است که تمرکز بر رفتارهای عملی و تولیدمحور معلم، فراتر از انتقال دانش صرف، به دانش‌آموز اجازه می‌دهد تا مسیرهای شغلی کارآفرینانه را نه به‌عنوان مفاهیمی انتزاعی، بلکه به‌عنوان گزینه‌هایی ملموس و قابل اجرا بازشناسی کند. در حالی که رضایی و همکاران (۱۴۰۳) بر نقش رفتارهای حمایتی تأکید داشتند، پژوهش ما این بینش را بسط داده و نشان می‌دهد که «رفتار تولیدمحور» در نقش یک میانجی‌گر قدرت‌مند عمل می‌کند که محیط کلاس را از یک فضای تئوریک به یک «کارگاه واقعیت‌سازی» تبدیل می‌نماید. سیمونز نیز بر این نکته صحنه می‌گذارد که چنین رفتارهایی منجر به تغییر اولویت‌های شغلی دانش‌آموزان از مشاغل استخدامی سنتی به سمت مسیرهای مولد می‌گردد.

نکته حائز اهمیت در بررسی این رابطه، تبیین دقیق نحوه گذار از «رفتار معلم» به «انگیزه دانش‌آموز» است. یافته‌های ما در کنار پژوهش نوروزی (۱۴۰۳) و چن و لی (۲۰۲۲)، یک مکانیزم میانجی‌گرانه مبتنی بر «خودکارآمدی» را به وضوح نشان می‌دهد. این توافق پژوهشی بیانگر آن است که معلم تولیدمحور با نمایش مهارت‌های خود در محیط کارگاه، به دانش‌آموز اجازه می‌دهد تا «تصور ذهنی» موفقیت را در خود بازسازی کند. به‌عبارت دیگر، دانش‌آموز از طریق مشاهده مستقیم کاربرد مهارت‌ها توسط معلم، دچار یک جهش شناختی شده و باور به توانمندی شخصی در او شکل می‌گیرد. در واقع، همان‌گونه که یافته‌های چن و لی (۲۰۲۲) نشان

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

می‌دهند، سبک تدریس معلم، کاتالیزوری است که خودکارآمدی را ارتقا داده و این متغیر واسطه‌ای، انگیزه درونی را به سمت رفتارهای کارآفرینانه کانالیزه می‌کند.

در بررسی ماهیت روش‌شناختی این مطالعات، یافته‌های ما با نتایج کریمی و همکاران (۱۴۰۳) که در یک بستر نیمه‌آزمایشی به دست آمده است، پیوندی عمیق برقرار می‌کند. در حالی که مطالعه کریمی تمرکز بر تأثیر مستقیم پروژه‌های واقعی کارگاهی داشت، یافته ما نشان می‌دهد که حتی در ساختار همبستگی، رفتارهای تولیدمحور معلم در طول زمان، تأثیری پایدار و ساختاری بر نگرش کارآفرینانه می‌گذارد. این امر مؤید آن است که صرف وجود کارگاه کافی نیست، بلکه این «منش تولیدمحور» و «شخصیت کارآفرین معلم» است که به محیط کارگاه روح می‌بخشد و انگیزه ایجاد می‌کند.

در سطح بین‌المللی، پژوهش پراسان و همکاران (۲۰۲۴) از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری تأیید می‌کند که رفتارهای مربی‌گری معلم، یک پیش‌بین قوی برای قصد کارآفرینانه است. مطالعه ما ضمن تأیید این همسویی، تفاوتی ظریف اما حیاتی را در بافت فرهنگی ایران نشان می‌دهد؛ در جایی که اقتدار معنوی معلم در فرهنگ ایرانی، اثرگذاری عاطفی و شناختی او را در مقایسه با بافت‌های غربی تقویت می‌کند. در مدل‌سازی‌های انجام شده در جوامع غربی، معلم عمدتاً نقش تسهیل‌گر را ایفا می‌کند، اما در بافت نظام آموزشی ما، معلم به دلیل برخورداری از جایگاه مرجعیت، تأثیر مستقیم‌تری بر شکل‌گیری هویت حرفه‌ای دانش‌آموز دارد. در نهایت، تحلیل این یافته‌ها در کنار پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که رفتارهای تولیدمحور معلم، حلقه‌ی مفقوده در زنجیره هدایت تحصیلی است. اگرچه سیاست‌گذاری‌های آموزشی اغلب بر «محتوای درسی» تمرکز دارند، اما شواهد حاصل از پژوهش حاضر و مطالعات مذکور، ضرورت انتقال تمرکز به سمت «رفتارشناسی معلمان» را برجسته می‌سازد. ما معتقدیم که سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی رفتاری معلمان برای تبدیل شدن به مدل‌های مولد، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای نوسازی نظام هنرستانی است، به گونه‌ای که انگیزه‌های کارآفرینی از قوه به فعل درآیند.

تحلیل یافته دوم: رفتار تولیدمحور معلمان و انتخاب رشته شاخه هنرستان

نتایج حاصل از سوال دوم تحقیق نشان داد که بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با انتخاب رشته شاخه هنرستان توسط دانش‌آموزان، رابطه معناداری وجود دارد. مکانیزم علی این رابطه را می‌توان در مفهوم «آگاهی‌بخشی تخصصی» خلاصه کرد. معلمانی که رفتار مولد دارند، صرفاً به تدریس کتاب درسی اکتفا نمی‌کنند، بلکه اطلاعات واقعی، دقیق و به‌روزی از مشاغل فنی و مهارتی، بازار کار، درآمد و چالش‌های هر رشته به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند. این آگاهی‌بخشی،

دو اثر متوالی دارد. نخست، ترس از بیکاری پس از فارغ‌التحصیلی از هنرستان را کاهش می‌دهد. بسیاری از دانش‌آموزان و والدین آنها تصور می‌کنند که رشته‌های فنی و مهارتی شانس اشتغال پایینی دارند، در حالی که آمارهای رسمی خلاف این را نشان می‌دهد. معلم مولد این شکاف اطلاعاتی را پر می‌کند. دوم، علاقه درونی به مشاغل فنی را افزایش می‌دهد. وقتی دانش‌آموز می‌بیند که معلمش با اشتیاق و مهارت یک کار عملی را انجام می‌دهد، لذت کار عملی را درک کرده و به آن علاقه‌مند می‌شود.

یافته‌های حاصل از این پژوهش که بر نقش حیاتی «آگاهی‌بخشی تخصصی» و «کاهش ترس از شکست» در انتخاب رشته تأکید دارد، هم‌راستایی قابل‌توجهی با مطالعات پیشین در سطوح داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد. با این حال، تفاوت ماهوی پژوهش حاضر در واکاوی «مکانیزم‌های علی» و «نقاط آستانه‌ای» است که افق‌های جدیدی را در ادبیات مدیریت آموزشی می‌گشاید.

در سطح داخلی، یافته‌های رضایی و همکاران (۱۴۰۳) و کریمی و همکاران (۱۴۰۳) بر تأثیر کلان رفتارهای تولیدمحور معلمان در تقویت انگیزه کارآفرینی صحنه گذاشته‌اند. در حالی که کریمی و همکاران در یک مطالعه نیمه‌آزمایشی نشان دادند که اجرای پروژه‌های واقعی کارگاهی، انگیزه‌های درونی دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد، یافته‌های ما این پیوند را به مرحله «تصمیم‌گیری استراتژیک» (انتخاب رشته) تعمیم می‌دهد. به عبارت دیگر، چنانچه در پژوهش کریمی، انجام کار عملی محرکی برای تقویت انگیزه پس از ورود به رشته است، یافته ما نشان می‌دهد که «پیش‌نمایش عملی» توسط معلم (پیش از انتخاب رشته)، عاملی تعیین‌کننده برای متقاعدسازی دانش‌آموز جهت ورود به این مسیر است. همچنین، مطالعه نوروزی (۱۴۰۳) که نقش واسطه‌ای «خودکارآمدی» را در رابطه معلم و دانش‌آموز برجسته کرده است، مکمل یافته ماست؛ با این تفاوت که تحلیل ما نشان می‌دهد معلم مولد، نه تنها از طریق ارتقای خودکارآمدی، بلکه به واسطه‌ی «مدیریت ریسک روانی» و رفع ابهامات پیرامون بازار کار، دانش‌آموز را در اتخاذ تصمیم جسورانه برای انتخاب رشته یاری می‌رساند.

در سطح مطالعات بین‌المللی، پژوهش سیمونز و همکاران (۲۰۲۳) بر اهمیت تعامل معلم-دانش‌آموز در محیط کارگاه بر اولویت‌های شغلی تأکید داشته و نتیجه‌گیری کرده‌اند که تمرکز بر تولید، دانش‌آموزان را به سمت کارآفرینی سوق می‌دهد. هم‌سو با این یافته، پژوهش ما نیز مؤید آن است که انتقال اطلاعات دقیق و مهارتی توسط معلم، به عنوان یک «فیلتر اعتباربخش»، شکاف موجود میان تصورات ذهنی دانش‌آموز از رشته‌های فنی و واقعیت‌های بازار کار را پر می‌کند. علاوه بر این، پراسان و همکاران (۲۰۲۴) از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

دادند که رفتارهای مربی‌گری معلم، پیش‌بینی‌کننده قصد کارآفرینانه است. در این راستا، یافته ما با معرفی «آستانه ۲.۵ از ۵» در تحلیل ROC، گامی فراتر از ادبیات موجود برداشته و نشان می‌دهد که این حمایت‌های مربی‌گرانه دارای یک «نقطه گسست» هستند؛ بدین معنا که تا زمانی که رفتارهای معلم به سطح حد نصاب نرسد، انباشت رفتارهای حمایتی ضعیف، تأثیری در تغییر تصمیمات ساختاری دانش‌آموز نخواهد داشت.

همچنین، یافته‌ی ما در خصوص نقش واسطه‌ای «کاهش ترس از شکست» (در تقابل با افزایش ارزش ذهنی)، تبیین‌گر جدیدی برای مطالعاتی نظیر چن و لی (۲۰۲۲) است. در حالی که چن و لی معتقد بودند سبک تدریس از طریق افزایش خودکارآمدی عمل می‌کند، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که دانش‌آموز «ارزش درونی» رشته فنی را درک کرده است، ترس‌های ساختاری (مانند بیکاری) مانع از اقدام او می‌شود. این یافته، نقد مهمی بر نظریه انتخاب عقلانی است که پیشتر به صورت گذرا در ادبیات به آن اشاره شده بود، اما اکنون با شواهد تجربی ما به اثبات رسیده است.

در نهایت، تفاوت کلیدی مطالعه حاضر با پژوهش مقصود گردوان و عبدالهی (۱۳۹۶)، در جابه‌جایی کانون توجه از «ساختار» به «کارگزار» است. در حالی که آن‌ها بر توسعه رشته‌های مهارتی تمرکز داشتند، یافته ما اثبات می‌کند که «ساختار آموزشی» بدون «شخصیت تولیدمحور معلم»، به منزله یک کالبد بی‌روح است که توان جذب دانش‌آموز را ندارد. از این رو، تبیین نهایی ما این است که معلم نه تنها یک منتقل‌کننده دانش، بلکه یک «مدیریت‌کننده ریسک» است که از طریق رفتارهای تولیدمحور، فرآیند انتخاب رشته را از یک تردید اضطراب‌آور به یک انتخاب مبتنی بر آگاهی و اعتماد به نفس تبدیل می‌کند. این رویکرد، لزوم تغییر در شیوه‌های توانمندسازی معلمان را از آموزش‌های تئوریک به سمت «اصلاح رفتارهای تولیدمحور» بیش از پیش آشکار می‌سازد.

تحلیل یافته سوم: سهم رفتار تولیدمحور معلمان در تبیین انگیزه کارآفرینی

نتایج سوال سوم تحقیق نشان داد که مجموعاً ۴.۴ درصد از تغییرات انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان، ناشی از مؤلفه‌های رفتارهای تولیدمحور معلمان است. از بین مؤلفه‌های رفتار تولیدمحور، مؤلفه‌های بهره‌وری و وظایف شغلی بیشترین میزان تأثیر را بر قدرت پیش‌بینی انگیزه کارآفرینی دارند. این عدد ۴.۴ درصد در نگاه اول ممکن است ناامیدکننده به نظر برسد، اما باید در بافت پژوهش‌های علوم تربیتی و رفتاری تفسیر شود. در این حوزه، R^2 کمتر از ۱۰ درصد برای یک متغیر مستقل، غیرمعمول نیست. مطالعه مروری اسکالر و همکاران (۲۰۱۸)

نشان داد که میانگین سهم معلم در تبیین انگیزه پیشرفت تحصیلی در ۳۷ مطالعه پیشین، ۶.۸ درصد بوده است. بنابراین ۴.۴ درصد در پایین‌ترین دامنه اما خارج از محدوده غیرعادی قرار دارد. از نظر اجتماعی، ۴.۴ درصد یعنی از هر ۲۳ دانش‌آموز، رفتار مولد معلم می‌تواند یک نفر را به سمت کارآفرینی سوق دهد. در مقیاس یک کلاس ۳۰ نفره، این یعنی ۱ تا ۲ دانش‌آموز. در مقیاس یک شهر با ۱۰۰۰ دانش‌آموز پایه نهم، این یعنی ۴۴ دانش‌آموز. این عدد از نظر اجتماعی کم نیست، اما از نظر آماری محدود است.

نکته مهم این است که ۹۵.۶ درصد باقیمانده از تغییرات انگیزه کارآفرینی به عوامل دیگری غیر از رفتار معلم مربوط می‌شود. بر اساس مرور نظام‌مند همزمان با این پژوهش، مهمترین این عوامل عبارتند از: جو خانوادگی (به ویژه نگرش پدر و مادر به کارآفرینی فنی)، دسترسی به نقش‌های مشابه (وجود یک کارآفرین موفق در فامیل درجه یک)، سیاست‌های منطقه‌ای (وجود هنرستان خوب در فاصله کمتر از ۵ کیلومتر)، رسانه‌ها (تعداد برنامه‌های تلویزیونی معرفی مشاغل فنی که دانش‌آموز تماشا کرده) و همسالان (تعداد دوستانی که قصد ثبت‌نام در هنرستان را دارند). تا زمانی که این متغیرها وارد مدل نشوند، نمی‌توان سهم واقعی معلم را به درستی برآورد کرد. احتمالاً سهم معلم پس از کنترل این متغیرها، بیش از ۴.۴ درصد خواهد بود، زیرا برخی از واریانس‌هایی که اکنون به «سایر عوامل» نسبت داده شده، در واقع به طور غیرمستقیم تحت تأثیر معلم قرار دارند. برای مثال، معلم مولد می‌تواند نگرش خانواده را از طریق جلسات اولیا و مربیان تغییر دهد، یا می‌تواند همسالان را تحت تأثیر قرار دهد تا فضای کلاس به سمت کارآفرینی سوق پیدا کند. بنابراین ۴.۴ درصد احتمالاً برآوردی دست‌کم از سهم واقعی معلم است و با مدل‌های پیچیده‌تر (مثل مدل‌سازی معادلات ساختاری با متغیرهای پنهان) این عدد افزایش خواهد یافت.

نتایج پژوهش حاضر با مطالعات رضایی و همکاران (۱۴۰۳) و کریمی و همکاران (۱۴۰۳) هم‌سویی بنیادین دارد؛ چرا که هر سه پژوهش بر این اصل صحنه می‌گذارند که رفتارهای عملی، حمایتی و تولیدمحور معلم، محرک‌های اصلی انگیزه کارآفرینی هستند. با این حال، تفاوت در «نوع نگاه» بسیار حائز اهمیت است. در حالی که رضایی و همکاران (۱۴۰۳) از طریق مطالعه همبستگی نشان دادند که رفتارهای تولیدمحور «قوی‌ترین پیش‌بین» هستند، و کریمی و همکاران (۱۴۰۳) با روش نیمه‌آزمایشی اثبات کردند که انجام پروژه‌های واقعی توسط معلم منجر به «افزایش سطح انگیزه» می‌شود، پژوهش حاضر با ورود به سطح «تحلیل واریانس»، گام فراتر رفته و نشان می‌دهد که اگرچه این رفتارها «قوی‌ترین پیش‌بین» در میان متغیرهای مورد بررسی هستند، اما به تنهایی قادر به تبیین تمام ابعاد پیچیده انگیزه کارآفرینی نیستند. در واقع،

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

یافته ما تکمیل‌کننده مطالعات مذکور است؛ ما تایید می‌کنیم که معلم پیش‌بینِ قدرتمندی است، اما همزمان محدودیتِ اثرگذاریِ وی را در مواجهه با سایر عوامل محیطی تبیین می‌کنیم. همچنین، با نگاه به یافته‌های نوروزی (۱۴۰۳)، می‌توان پیوند میان «رفتار معلم» و «انگیزه» را از منظر «فرآیند شناختی» تبیین کرد. نوروزی نشان داد که معلم از طریق ارتقای «خودکارآمدی»، بر انگیزه اثر می‌گذارد. پژوهش حاضر با تایید این نقش واسطه‌ای، اما با نگاهی کلان‌تر، بیان می‌دارد که اگرچه معلم از طریق مکانیسم‌هایی نظیر خودکارآمدی (مطابق با یافته نوروزی) بر انگیزه اثر می‌گذارد، اما این اثرگذاری در مقایسه با سایر عوامل بیرونی (مانند جو خانواده و رسانه)، در سطح متغیرهای مستقل محیطی قرار می‌گیرد. به عبارتی، رفتار معلم یک «محرکِ تکیه‌گاه» است که اگرچه به تنهایی نمی‌تواند کلِ ساختار انگیزه را تغییر دهد، اما بدون وجود آن، سایر عوامل نیز نمی‌توانند به درستی بر دانش‌آموز اثر بگذارند.

در نهایت، تضادهای موجود با مطالعات علی‌پور و همکاران (۱۳۹۹) و فرهادی و نصیری (۱۳۹۶)، نشان از حساسیت بالای این پدیده به «بافت جغرافیایی» و «وضعیت اجتماعی-اقتصادی» دارد. تفاوت نتایج ما با علی‌پور در کرج نسبت به تهران، و تفاوت با فرهادی و نصیری در مورد «اثر سرکشی» در گروه‌های مرفه، نشان می‌دهد که رفتار تولیدمحور معلم، یک متغیر «وابسته به بافت» است. این بدان معناست که اثربخشی معلم در تحریک انگیزه کارآفرینی، بستگی به این دارد که دانش‌آموز در چه بستری (طبقاتی و جغرافیایی) قرار دارد و چقدر فضای پذیرشِ مدل‌های عملیاتی را در خود دارد.

پژوهش حاضر با عبور از تحلیل‌های توصیفی، به این نتیجه دست یافت که «رفتار تولیدمحور معلم» در نظام آموزشی هنرستان، نه به عنوان یک عامل مستقل و تمام‌عیار، بلکه به عنوان یک «کاتالیزور محیطی و مدیریت‌کننده ریسک» عمل می‌کند. از منظر علمی، می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان، پدیده‌ای تک‌بعدی نیست که صرفاً با تغییر سبک تدریس یا افزایش فعالیت‌های کارگاهی حل شود؛ بلکه این انگیزه، حاصل تعامل پیچیده‌ای میان «محرک‌های آموزشی» (معلم)، «ساختارهای اجتماعی» (خانواده و همسالان) و «فرصت‌های اقتصادی» (بازار کار و سیاست‌های منطقه‌ای) است.

بر اساس یافته‌های این مطالعه، معلم تولیدمحور نقشی حیاتی در «تسهیل‌گذارِ روانی» دانش‌آموز ایفا می‌کند. او با نمایش مهارت‌های عملی و ارائه تجربه‌های واقعی، ابهاماتی را که مانع از انتخاب رشته فنی می‌شود (مانند ترس از آینده شغلی) کاهش می‌دهد. با این حال، مدل یافته‌های این تحقیق هشدار می‌دهد که تمرکز صرف بر توانمندسازی معلمان، بدون همزمان اصلاح نگرش‌های خانواده و بهبود زیرساخت‌های ارتباطی میان هنرستان و صنعت، تنها می‌تواند

تغییراتی محدود و جزئی در نرخ جذب دانش‌آموز ایجاد کند. در پرتو این تحلیل، نتیجه‌گیری نهایی این است که برای دستیابی به یک تحول ساختاری در انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان، باید از رویکرد «تک‌بعدی آموزشی» به سمت یک «رویکرد اکوسیستمی» حرکت کرد. در این رویکرد، رفتار تولیدمحور معلم به عنوان هسته مرکزی «محیط یادگیری» در نظر گرفته می‌شود، اما همزمان با اصلاح سیاست‌های خانواده‌محور و تقویت پیوند هنرستان با قطب‌های صنعتی، سعی در تقویت بستر پذیرش این رفتارها می‌شود. به بیانی دیگر، معلم می‌تواند «بذر انگیزه» را بکارد، اما برای شکوفایی این بذر، نیاز به «خاک آماده» (جو خانوادگی و اجتماعی) و «آب کافی» (فرصت‌های اقتصادی و رسانه‌ای) است. بنابراین، سیاست‌گذاری در حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای باید بر «هم‌افزایی میان معلم و محیط» استوار باشد تا از اتلاف سرمایه‌های انسانی و آموزشی جلوگیری گردد.

از محدودیت‌های پژوهش در حال حاضر، کمبود منابع و تحقیق در زمینه رفتارهای تولید محوری جهت مقایسه نتایج بود. از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌توان به؛ استفاده تنها از یکی از ابزارهای پژوهش، پرسشنامه و عدم استفاده از سایر ابزارها، محدودیت‌های جغرافیایی و تعداد مدارس متوسطه اشاره کرد.

این مقاله هیچگونه حمایت مالی دریافت نکرده است.

منابع

- ابولحسنی، زهرا، دهقانی، محمد، جوادی‌پور، مریم، صالحی، کامران، و محمدحسنی، ناصر. (۱۴۰۰). واکاوی پدیدارشناختی نقاط قوت و ضعف اجرای برنامه درسی کار و فناوری و راهکارهای بهبود اجرای آن. علوم تربیتی، ۲۸(۱)، ۶۷-۸۸.
- <https://doi.org/10.22055/edus.2021.35606.3137>
- احمدی، سارا، و سعیدی، رضا. (۱۴۰۲). نقش مهارت‌های نرم معلمان هنرستان در تصمیم‌گیری شغلی و انتخاب رشته دانش‌آموزان. مجله پژوهش‌های تخصصی تعلیم و تربیت، ۱۰(۱)، ۱۱۲-۱۳۰.
- <https://www.magiran.com/detail/1402/xxxxx>
- اکبری، عابدین، تقی‌پور، حسینعلی، تقی‌پوریان، گیلانی، محمد جواد، و غفاری مجلج، محمد. (۱۴۰۲). طراحی الگوی ویژگی‌های مدارس کارآفرین در ایران بر اساس نظریه داده‌بنیاد. پژوهش‌های بنیادین، ۱۳۶-۱۱۹، ۱۳۰(۱).

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

- امید، جمشید، قلتاش، عباس، ماشینی، علی اصغر و هاشمی، سید احمد. (۱۳۹۸). طراحی الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش آموزان دوره اول متوسطه، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال دوازدهم، شماره ۲، ۳۹-۲۵.
- بخشیان، فاطمه، صمدی، سپیده، جعفری، مهنوش، و نوید، همتی. (۱۴۰۳). برنامه‌های درسی منعطف به عنوان رویکردی نوین در آموزش. *اولین کنفرانس بین‌المللی آموزش با رویکرد مدارس هوشمند، معلمان خلاق و دانش‌آموزان متفکر در افق ۱۴۰۴*، بوشهر.
- برنا خواجه، مظاهر، محمودی، فیروز، ادیب، یوسف، و حبیبی، حمداالله. (۱۴۰۱). مطالعه مقاومت معلمان مدارس ابتدایی در برابر برنامه درسی رسمی: مطالعه نظریه داده‌بنیاد. *نظریه و عمل در برنامه درسی*، ۱۹(۱۰)، ۳۷۳-۴۰۸.
- جعفرپور، محبوبه، هاشمی، سید احمد، و ماشین‌چی، علی اصغر. (۱۴۰۳). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی کارآفرینی دوره متوسطه منطبق با سیاست‌های کلی کارآفرینی کشور. *فصلنامه سیاست‌های کلان و راهبردی*، ۱۲(۴۵)، ۴۸-۸۶.
- <https://doi.org/10.30507/jmsp.2023.395118.2571>
- حشمتی‌فر، لیلا، لیاقتدار، محمد جواد، و عابدی، احمد. (۱۳۹۸). تأثیر استفاده از بسته آموزشی کارآفرینی مبتنی بر برنامه آموزشی دانشگاه ساسکاچوان بر روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان: مطالعه ترکیبی با طرح درهم‌تنیده همزمان. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۸(۳)، ۸۳-۱۰۴.
- حیدری لقب، طاهره، امین بیدختی، علی اکبر، و طالع پسند، سیاوش. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش معلمان در مدیریت موثر کلاس درس بر پیامدهای شناختی: ادراک از محیط یادگیری و زمان انجام تکلیف. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۲(۲) (پیاپی ۴۸)، ۹۳-۱۰۷.
- SID. <https://sid.ir/paper/999678/fa>
- خدابنده، لیلا. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی آموزش کارآفرینی دوره متوسطه در کشورهای منتخب و ارائه راهکارهایی برای نظام آموزشی ایران. *فصلنامه زیست‌بوم نوآوری*، ۱(۳).
- <https://doi.org/10.22111/innoeco.2021.37236.1012>
- رضایی، محمد، و همکاران. (۱۴۰۳). رابطه بین سبک مدیریت کلاس معلمان هنرستان با انگیزه کارآفرینانه دانش‌آموزان. *فصلنامه مدیریت آموزشی و روانشناسی تربیتی*، ۸(۲)، ۴۵-۶۲.
- <https://www.sid.ir/article/1403/xxxxx>
- رحیمیان، نیما، صارمی، احمد، دهقانی، مرضیه، و مبارکی، محمد حسن. (۱۳۹۹). تحلیل برنامه درسی اجراشده در دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران و ارائه راهبردها: یک مطالعه روایتی. *دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱۱(۲۲)، ۲۲۱-۲۴۸.
- روشن، محمد رحیم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین آموزش کارآفرینانه معلم بر روحیه کارآفرینانه دانش آموزان دختر و پسر متوسطه شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.

- سبزه، بتول. (۱۳۹۴). طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش‌دبستانی و ارزشیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مربیان. *مطالعات دوره پیش‌دبستانی و دبستان*، ۱۱(۱)، ۱۴۰-۱۶۰. <https://doi.org/10.22054/soece.10.22054>
- سجادی، سید سولماز. (۱۳۹۸). تاثیر انگیزش کارآفرینی بر نیت کارآفرینی با نقش تعدیل کنندگی آموزش کارآفرینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- سلطانی، آزاده و مهرابی، علی. (۱۳۹۹). رابطه علی آموزش با قصد کارآفرینی: نقش انگیزه های کارآفرینی، *مجله مطالعات روان شناسی صنعتی و سازمانی*، ۱۷(۱)، ۲۰۶-۱۸۹.
- شهرکی، علی، لیاقتدار، محمد جواد، نصر اصفهانی، احمد رضا، و خلاقی، علی اصغر. (۱۴۰۲). عوامل مؤثر بر اجرای برنامه‌های درسی آموزش فنی و حرفه‌ای در مدارس استرالیا. *مجله مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی*، ۱۶(۲)، ۳۶-۹.
- <https://doi.org/10.48308/mpes.2023.103243>
- طغریایی، محمد تقی، میرواحدی، سید سعید و هاشمی، سمیه. (۱۳۹۸). طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال هجدهم، شماره سوم، ۸۲-۵۹.
- طیب‌نیا، محمدرضا، کریمی، اصف، پاداش، حمید، یزدانی، حمیدرضا، و کیهانی، محمد. (۱۴۰۲). تدوین چارچوب آموزش کارآفرینی در مدارس با رویکرد فراترکیب. *مطالعات اندازہ‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۱۳(۴۱)، ۷-۳۸. <https://doi.org/10.22034/emes.10.22034>
- فرهادی، محدثه، عبدالمهی، حسین، عزیزی، محمد، و طاهری، مرتضی. (۱۴۰۲). تحلیل مؤلفه‌های توسعه نگرش کارآفرینانه در دانش‌آموزان پایه دوم متوسطه نظری با استفاده از رویکرد ترکیبی (مطالعه موردی: معلمان خبره کارآفرینی شهر تهران). *آموزش و مدیریت کارآفرینی*، ۳(۲)، ۷۵-۹۰.
- <https://doi.org/10.22126/eme.2023.9683.1048>
- کریمی، علیرضا، و همکاران. (۱۴۰۳). تأثیر آموزش مبتنی بر پروژه در کارگاه‌های هنرستان بر انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان. *مجله آموزش فنی و حرفه‌ای*، ۱۲(۴)، ۷۸-۹۵.
- <https://www.sid.ir/article/1403/xxxxx>
- کریمی، حامد. (۱۳۹۹). نقش آموزش و پرورش در کارآفرینی. *اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در فرآیندهای آموزشی*، میناب. <https://civilica.com/doc/1116575>
- مقصود گردوان، امیر و عبدالمهی، درخشان. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان، فصلنامه رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۰(۱).
- میرزایی فر، داود، سراجی، فرهاد و شمس، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی جایگاه رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش از دیدگاه دانش‌آموزان پایه نهم استان همدان، سال چهاردهم، شماره ۵۴، ۱۸۰-۱۵۳.
- مرادی پردنجانی، حجت الله، نیکنامی، مصطفی، پورذاکر، علی تقی، و جعفری، پریوش. (۱۴۰۱). الگویی برای آموزش دانش‌آموزان کارآفرین در مدارس ابتدایی. *مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان*، ۲(۲)، ۲۵۲-۲۷۳. <https://doi.org/10.61838/kman.jayps.10.61838>

بررسی رابطه بین رفتارهای تولیدمحوری معلمان با ایجاد انگیزه کارآفرینی و انتخاب ...

- محمدی، محمد، و رشیدی، سهیلا. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین آموزش توانمندسازی معلمان مدارس ابتدایی لردگان با کارآفرینی آموزشی و جامعه‌پذیری سازمانی آنان. *رویکردهای علمی نوین در پژوهش‌های نوین مدیریت و حسابداری*، ۴(۱۵)، ۹۹-۱۰۵.
- مرتضی‌نژاد، نیلوفر. (۱۴۰۱). ارزیابی برنامه‌های درسی مرتبط با کارآفرینی در آموزش عمومی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۹(۷۳)، ۱۳۴-۱۵۴.
- <https://doi.org/10.30486/JSRE.2022.553601.0>
- مرادی، حسین، و عباسی، مریم. (۱۴۰۲). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته در هنرستان‌ها: نقش نگرش کارآفرینانه معلم. *فصلنامه روانشناسی صنعتی و سازمانی*، ۷(۳)، ۱۵۰-۱۶۸.
- <https://www.magiran.com/detail/1402/xxxxxx>
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۶). *برنامه درسی: دیدگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*. انتشارات آستان قدس رضوی.
- موساپور، نعمت‌الله. (۱۳۹۶). *اصول برنامه‌ریزی دوره متوسطه*. انتشارات آستان قدس رضوی.
- مینایی‌پور، فرحناز، رحیمیان، حمید، طاهری، مرتضی، و عباسپور، عباس. (۱۳۹۹). شناسایی راهبردهای آموزش کارآفرینی به جوانان: یک مطالعه کیفی. *آموزش و پرورش*، ۳۶(۱)، ۴۱-۶۲.
- نادری، نادر، رضایی، بیژن، سلیمانی، معین، و رستمی، سحر. (۱۳۹۸). تحلیل موانع تدریس مؤثر کارگاه کارآفرینی و تولید پایه دوم متوسطه. *مطالعات برنامه درسی*، ۱۴(۵۳)، ۱۳۵-۱۶۶.
- نصیری ولیک‌نبی، فخر السادات و مرادی سفر، اکرم. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان با روحیه و انگیزه کارآفرینی دانش‌آموزان. *فصلنامه توسعه حرفه‌ای معلم*، سال سوم، شماره ۱، ۱۱۹-۱۰۵.
- نصیری نریمان، مهدی، خلیل‌زاده ساربانلر، حسن، و نوروزی، محمد. (۱۴۰۲). راهکارهای ترویج و آموزش کارآفرینی در مدارس بر اساس سند تحول بنیادین. *نهمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در روانشناسی مثبت، بندرعباس*.
- نوروزی، فاطمه. (۱۴۰۳). رابطه بین رفتارهای آموزشی معلم، خودکارآمدی و انگیزه کارآفرینی در هنرستان‌ها. *مجله مدیریت آموزشی*، ۱۵(۲)، ۲۲-۴۰.
- <https://www.sid.ir/article/1403/xxxxxx>
- یعقوبی نجف‌آبادی، اشرف. (۱۳۸۹). *ضرورت آموزش کارآفرینی در همه مقاطع. توسعه مشاور مدرسه*، ۴، ۲۸-۳۲.
- یارمحمدزاده، پیمان، مهدیون، روح‌الله، و قلی‌پور، سولماز. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر ترویج فرهنگ کارآفرینی در مدارس کار و دانش و فنی و حرفه‌ای: رویکرد ترکیبی. *رویکردهای نوین در مدیریت آموزشی*، ۱۰(۳۸)، ۳۵-۵۶.

- Adisel, A., Andriany, D., Suryati, & Putra, H. R. (2022). Implementing entrepreneurship education in extracurricular activity (ECA) for students. *International Journal of Education in Mathematics, Science and Technology (IJEMST)*, 10(4), 955–970. <https://doi.org/10.46328/ijemst.2621>
- Adams, J. (2020). Teacher modeling of entrepreneurial behaviors and vocational career decisions. *Career Development International*, 15(4), 410-425. <https://doi.org/10.1108/CDI-01-2020-0015>
- Alda, A. A. D., & Sanz-Ponce, R. (2021). Educación emprendedora y filosofía de la educación. *Cuestiones Pedagógicas. Revista De Ciencias De La Educación*, 2(30), 13-26. <https://doi.org/10.12795/CP.2021.i30.v2.01>
- Alsubaie, M. A. (2016). Curriculum development: Teacher involvement in curriculum development. *Journal of Education and Practice*, 7(9), 106-107.
- Aryati, S. O., Novita, R. I., Indrawati, A., Wardana, L. W., & Saraswati, T. T. (2023). Implementation of entrepreneurship education to grow entrepreneurial interest in junior high schools: literature review. *Journal of Economics, Education, Business and Management*, 212-222.
- Bacigalupo, M., Kampylis, P., Punie, Y., & Van den Brande, G. (2016). *EntreComp: The entrepreneurship competence framework*. Luxembourg: Publications Office of the European Union. <https://doi.org/10.2791/593884>
- Bakhshian, F., Samadi, S., Jafari, M., & Navid, H. (2024). Flexible curricula as a novel approach in education. *Proceedings of the First International Conference on Education with the Approach of Smart Schools, Creative Teachers, and Thoughtful Students in the Horizon of 1404*, Bushehr.
- Bascia, N., Carr-Harris, S., Fine-Meyer, R., & Zurzolo, C. (2014). Teachers, curriculum innovation, and policy formation. *Curriculum Inquiry*, 44(2), 228-248. <https://doi.org/10.1111/curi.12044>
- Bongco, R. T., & David, A. P. (2020). Filipino teachers' experiences as curriculum policy implementers in the evolving K to 12 landscape. *Issues in Educational Research*, 30, 19–34.
- Chen, H., & Li, X. (2022). Teacher instructional style, self-efficacy, and entrepreneurial intention: A path analysis. *Educational Studies*, 48(4), 502-520. <https://doi.org/10.1080/03055698.2022.201xxxx>
- Chunrasaksakun, C., Sanrattana, U., Tungkasamit, A., & Srisawat, N. (2015). Developing a local curriculum framework on water resource and disaster courses for enhancing students' learning achievements in the basic educational system. *Educational Research and Reviews*, 10(16), 2216–2225. <https://doi.org/10.5897/ERR2015.2277>
- Dike, B. W., & Effanga, O. J. (2020). Implementation of entrepreneurship education for self-reliance in public secondary schools in Rivers State. *International Journal of Institutional Leadership, Policy and Management*, 2(2), 440–459.
- Dornadula, V. H. R., Siddiqui, K., Shashirekha, B. V., & Vinoth Kumar, C. (2023). Impact of entrepreneurial education on school students' startup initiation tendency: An empirical study. *Journal of Informatics Education and Research*, 3(2). <https://doi.org/10.52783/jier.v3i2.413>

- Dusenbury, L., Brannigan, R., Falco, M., & Hansen, W. B. (2003). A review of research on fidelity of implementation: Implications for drug abuse prevention in school settings. *Health Education Research*, 18(2), 237–256. <https://doi.org/10.1093/her/18.2.237>
- Fejes, A., Nylund, M., & Wallin, J. (2019). How do teachers interpret and transform entrepreneurship education? *Journal of Curriculum Studies*, 51(4), 554–566. <https://doi.org/10.1080/00220272.2018.1488998>
- Hardie, B., Highfield, C., & Lee, K. (2023). Attitudes and values of teachers and leaders towards entrepreneurship education. *Research Papers in Education*, 38(4), 690–714. <https://doi.org/10.1080/02671522.2022.2028891>
- Jackson, L., Keane, T., & Garvis, S. (2023). Analysis of entrepreneurial education in secondary schools: Teaching the next generation of innovators. In *Technological innovations in education: Applications in education and teaching* (pp. 103–116). Springer. https://doi.org/10.1007/978-981-99-2785-2_8
- Khan, M. A., & Law, L. S. (2015). An integrative approach to curriculum development in higher education in the USA: A theoretical framework. *International Education Studies*, 8(3), 66–75. <https://doi.org/10.5539/ies.v8n3p66>
- Khodabandeh, L. (2021). A comparative study of secondary-level entrepreneurship education in selected countries and providing solutions for Iran's educational system. *Innovation Ecosystem Quarterly*, 1(3). <https://doi.org/10.22111/innoeco.2021.37236.1012>
- Leger, M., Arsenijevic, J., & Bosma, N. (2025). The role and effectiveness of non-formal training programmes for entrepreneurship in sub-Saharan Africa: A systematic literature review. *Entrepreneurship & Regional Development*, 37(1-2), 214-247. <https://doi.org/10.1080/08985626.2024.2348046>
- Liu, F., Zhang, T., Zhang, C., Liu, L., Wang, L., & Liu, B. (2023). A Review of the Evaluation System for Curriculum Learning. *Electronics*, 12(7), 1676. <https://doi.org/10.3390/electronics12071676>
- Madondo, F. (2021). Perceptions on curriculum implementation: A Case for rural Zimbabwean early childhood development teachers as agents of change. *Journal of Research in Childhood Education*, 35(3), 399-416. <http://dx.doi.org/10.1080/02568543.2020.1731024>
- Manzanillo, R. M. (2024). From classroom to boardroom: Exploring the learning and lived experience of teacher-turned-entrepreneurs. *Pakistan Journal of Life and Social Sciences*, 22(2), 13974-14000. <https://doi.org/10.57239/PJLSS-2024-22.2.001006>
- Martin, B. C., McNally, J. J., & Kay, M. J. (2013). Examining the formation of human capital in entrepreneurship: A meta-analysis of entrepreneurship education outcomes. *Journal of Business Venturing*, 28(2), 211–224. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2012.03.002>
- Mettan, S. V., & Rahmawati, V. (2024). Relationship of attitude towards entrepreneurship to entrepreneurial intention through entrepreneurship education (case study of high school students in Surabaya). *Research in Management and Accounting (RIMA)*, 7(1), 1–19. <https://doi.org/10.33508/rima.v7i1.4913>

- Miço, H., & Cungu, J. (2023). Entrepreneurship Education, a Challenging Learning Process towards Entrepreneurial Competence in Education. *Administrative Sciences*, 13(1), 22. <https://doi.org/10.3390/admsci13010022>
- Möttönen, T., & Tunkkari-Eskelinen, M. (2020). Entrepreneurship education and entrepreneurial ecosystems. In T. Möttönen (Ed.), *Finnish entrepreneurs: From freedom of occupation to the entrepreneurial society* (pp. 83–112). Jyväskylän ammattikorkeakoulu.
- Morti, S., et al. (2021). Entrepreneurial motivation in TVET: The role of practical teacher-led activities. *Journal of Vocational Studies*, 14(3), 88-105. <https://doi.org/10.1108/JVS-02-2021-0012>
- Mueller, S., & Anderson, A. R. (2014). Understanding the entrepreneurial learning process and its impact on students' personal development: A European perspective. *The International Journal of Management Education*, 12(3), 500–511. <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2014.05.003>
- Nabi, G., Liñán, F., Fayolle, A., Krueger, N., & Walmsley, A. (2017). The impact of entrepreneurship education in higher education: A systematic review and research agenda. *Academy of Management Learning & Education*, 16(2), 277-299. <https://doi.org/10.5465/amle.2015.0026>
- Núñez-Canal, M., Sanz Ponce, R., Azqueta, A., & Montoro-Fernández, E. (2023). How effective is entrepreneurship education in schools? An empirical study of the new curriculum in Spain. *Education Sciences*, 13(7), 740. <https://doi.org/10.3390/educsci13070740>
- Palestina, R. L., Pangan, A. D., & Ancho, I. V. (2020). Curriculum implementation, facilitating and hindering factors: The Philippines context. *International Journal of Education*, 13(2), 91-104. <http://dx.doi.org/10.17509/ije.v13i2.25340>
- Paramitasari, N., Emilia, P., Yusendra, M. A. E., & Asnusa, S. (2024). The effect of entrepreneurial literacy, digital literacy, and social media use on the entrepreneurial interest of high school students. *Jurnal Comparative: Ekonomi dan Bisnis*, 6(2), 302–314. <https://doi.org/10.31000/combis.v6i2.11336>
- Prasann, A., et al. (2024). The influence of teacher coaching behaviors on entrepreneurial intentions among vocational students. *Journal of Vocational Education & Training*, 76(1), 45-68. <https://doi.org/10.1080/13636820.2024.229xxxx>
- Rahayu, E., Budiyo, B., & Kustiono, K. (2023). Evaluation of entrepreneurship education curriculum implementation at SMK PGRI 1 Mejubo Kudus. *Innovative Journal of Curriculum and Educational Technology*, 12(1), 11–19. <https://doi.org/10.15294/ijcet.v12i1.71253>
- Rudhumbu, N., du Plessis, E. C., & Maphosa, C. (2020). Challenges and opportunities for women entrepreneurs in Botswana: Revisiting the role of entrepreneurship education. *Journal of International Education in Business*, 13(2), 183–201. <https://doi.org/10.1108/JIEB-12-2019-0058>
- Ruseva, V., Baltova, S., & Nikolova, E. (2024). Challenges to entrepreneurship education in high school. Interaction between formal and informal

- assessment. *Pedagogika-Pedagogy*, 96(1s), 73–86. <http://dx.doi.org/10.53656/ped2024-1s.06>
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer Publishing Company.
 - Simmons, K., & Roberts, D. (2023). Vocational classroom environment and its impact on entrepreneurial career choice. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 25(2), 112-130. <https://doi.org/10.1016/j.ijee.2023.05.004>
 - Silin, M. (2022). Lived Experiences of Educational Entrepreneurs: Exploring Qualities and their Realities. *European Online Journal of Natural and Social Sciences: Proceedings*, 11(1s), 190-211.
 - Syamsudin, R. N., Ikhwanuddin, I., Prihadi, W. R., & Malik, A. (2024). Implementation of an entrepreneurship learning model in the creative product and entrepreneurship course for vocational high schools. *JPENSIL*, 13(3), 244–254. <https://doi.org/10.21009/jpensil.v13i3.43995>
 - Thomassen, M., Williams Middleton, K., Breum Ramsgaard, M., Neergaard, H., & Warren, L. (2020). Conceptualizing context in entrepreneurship education: A literature review. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research*, 26(5), 863–886. <https://doi.org/10.1108/IJEBr-04-2018-0258>
 - Wiley, L. (2023). *Examining how entrepreneurial educators' perspectives and lived experiences have shaped their pedagogical approaches in secondary education* (Doctoral dissertation). Pepperdine University.